تفاوت دو روایت «اذا رایت الهلال فصم» و «اذا رایتم الهلال فصوموا»

حال به حدیث اول و دومی که در باب سوم مشغول بودیم، برگردیم. من این حدیث اول و دوم را یک بار میخوانم، شما از نظر بحث کلاس فقه که میخواهید از آن یک حکم شرعی استفاده کنید، ببینید در لحن امام علیه‌السلام تفاوتی میبینید یا نه؟

> **عن زید الشحام جمیعا عن أبي عبد الله علیه السلام أنه سئل عن الأهلة، فقال: هي أهلة الشهور، فإذا رأیت الهلال فصم، وإذا رأیته فأفطر**[1]

روایت دوم هم این بود:

> **إذا رأیتم الهلال فصوموا، وإذا رأیتموه فأفطروا، ولیس بالرأي ولا بالتظني ولكن بالرؤیة (قال) والرؤیة لیس أن یقوم عشرة فینظروا فیقول واحد وه ذا وه وینظر تسعة فلا یرونه إذا رآه واحد رآه الف**

این مضمون حدیث دوم بود. از حیث استفاده حکم فقهی که مانند عروه بخواهیم شماره بزنیم و فروعات را استخراج کنیم، فرق لسان این دو روایت در چیست؟

شاگرد: در روایت دوم، شخص خود آدم نیست. برای جمعی است.

استاد: ببینید در روایت دوم، یک سؤال مهمی مطرح است. من میخواهم عبارت را بخوانم سؤال هم مهم است. باید ببینیم روایت دوم که نفی است؛ «لیس الرؤیة ان یقوم عشرة..»؛ به تعبیری اشان هم پنجاه نفر هم دارند میبینند. ولی بیشتر که نمیبینند. سؤال بسیار مهم این است: در این جمعیتی که خود روایت دارد فرض میگیری برخی دیدند ولی بیشتر ندیدند، سؤال این است: کسی که با چشم خودش دید و عالم است، وظیفه‌اش چیست؟ این حدیث چه میگوید؟ وظیفه خود رائی در ده نفر چیست؟ آنها نمیبینند خب او که میبیند. چه کار کند؟ این حدیث چه میگوید؟

شاگرد: بعد از اینکه همه تخطئه کردند او شک می‌کند.

استاد: او شک نکرده، فرض این است.

شاگرد: روایت ساکت است.

استاد: روایت اول این است که می‌گوید «اذا رایت الهلال فصم»، تعبیر روایت اول این شخص را می‌گیری یا نه؟ می‌گوید من که دیدم، الآن که شک ندارم، چه شکی بکنم؟ با اینکه خودم متخصص بودم، سال‌ها است که رؤیت هلال می‌کنم. من آن را دیدم. این را فرض بگیری. روایت اول شامل او می‌شود، ولی روایت دوم چطور؟ در روایت دوم می‌گوید «اذا رایتم فصم». او که تنها است چه کار کند؟ یعنی روایت دوم به او چه می‌گوید؟ می‌گوید «اذا رایتم»؛ یعنی تو دیده‌ای، خب دیده باش. اگر همه دیدند همه بگیرند. تو که تنها دیده‌ای، بگیر یا نگیر؟ من می‌خواهم از مدلول حدیث بگویم. به حکم شرعی کاری ندارم. حکم شرعی را الآن می‌خوانم. اجماع هست که باید بگیرد. من می‌گویم حدیث چه می‌گوید؟

شاگرد: احتمالاً این روایت، به قرینه ذیلش از روایات شهادت است. اصلاً درصدد بیان اینکه یک نفر خودش می‌بیند و حکم نفسی چیست، نیست.

استاد: اگر کسی خودش دید باید چه کار کند؟

شاگرد: اصلاً این روایت درصدد بیان آن نیست.

استاد: حال من این عبارت را از جواهر بخوانم. از جاهای خوب جواهر است.

> **القول في شهر رمضان القول في شهر رمضان والكلام في علامته وشروطه وأحكامه ، أما الأول في علامته أما الأول فـ لا إشكال ولا خلاف بيننا في أنه يعلم الشهر برؤية الهلال وحينئذ فمن رآه وجب عليه الصوم ولو انفرد، وكذا لو شهد فرد شهادته ، وكذا يفطر لو انفرد برؤيته هلال شوال كل ذلك لصدق الرؤية المأمور بالصوم والإفطار لها ، وصدق شهادة الشهر ، وللسنة المستفيضة أو المتواترة ، والإجماع بقسميه ، خلافا لما عن بعض العامة من عدم صوم المنفرد وفطره إلا في جماعة الناس ، وهو محجوج بالكتاب والسنة والإجماع [2]**

یعنی ولو یک نفر هم باشد، روزه بر او واجب است. مرحوم سید در عروه هم آورده‌اند. اول چیزی که برای ثبوت شهر گفته‌اند، این است که «**ان یری نفسه**»؛ خودش ببیند و تمام. آقای حکیم می‌فرمایند روایات متواتره هست، در اینکه وقتی کسی خودش هلال را دید، شهر برای او ثابت است.

> 43:48

خب حال جلوتر می‌روند؛ یک نفری که هلال را دیده نزد حاکم شهادت می‌دهد، ردّت شهادته. به او می‌گویند که شهادت تو قبول نیست. فردا ماه مبارک یا عید فطر نیست. او چه کند؟ می‌فرمایند: «**وكذا لو شهد فردّت شهادته**»؛ شهادت رد می‌شود، خب بشود، ولی نسبت به خودش باید به

وظیفه‌اش عمل کند.

«وكذا يفطر لو انفرد برؤيته هلال شوال كل ذلك لصدق الرؤية المأمور بالصوم والإفطار لها»؛ پس صدق رؤیت که می‌کند. حال سراغ ادله اربعه می‌روند. **«وصدق شهادة الشهرة»**؛ یعنی باالکتاب؛ «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ»[3]؛ او دارد خودش می‌بیند. وقتی می‌بیند، شهد الشهرة. یعنی آیه شریفه بر او صادق است. **«ولللسنة المستفيضة أو المتواترة»**؛ در اینکه وقتی دید کافی است. **«والإجماع بقسميه»؛** یعنی نقل و تحصیلی. **«خلافا لما عن بعض العامة من عدم صوم المنفرد وفطره إلا في جماعة الناس»**؛ کسی حق ندارد که جدا روزه بگیرد. اگر خودت دیدی، دیده باش. تو باید همراه جماعت مسلمین باشی. چه کاره هستی که بگویی من دیده‌ام و امروز ماه مبارک است؟! حق نداری. خب در خانه روزه بگیری یا نگیری؟ این هم سؤال مهم است. این جماعتی که گفته‌اند، چه گفته‌اند؟ می‌گویند که در خانه خودش هم نگیرد. ظاهراً حرفش این است.

شبیه آن را در شهادت داریم. فرع خیلی مهمی بود. تنها شهید ثانی فرموده بودند. کسی شاهد طلاق می‌شود و خودش می‌داند که عادل نیست. ولی خب در رودربایستی گیر می‌افتد و شاهد طلاق می‌شود. بقیه هم همه او را عادل می‌دانند و او هم شاهد طلاق می‌شود و اجرا می‌شود. خود این شاهد بعدا می‌تواند این مطلقه را زن کند یا نه؟ بین فقها تنها شهید ثانی فرمودند که می‌تواند. چون می‌گویند شهادت عند الحاضرین شرط است. شهادت واقعی عند الله که شرط نیست. شهید ثانی به این صورت فرمودند. سه-چهار سال پیشتر مفصل بحث کردیم.

در اینجا هم مطلب همینطور است. می‌گویند وقتی شارع می‌گوید که شهادت تو در شد، ماه مبارک عند الشارع ثابت نیست. وقتی ثابت نیست تو چه می‌خواهی بگویی؟! «خلافا لبعض العامة» ظاهراً به این صورت است. می‌گویند ولو خودش دیده ولی در خانه خودش هم نمی‌گیرد. خب این حرف درست است یا نه؟ می‌فرمایند: **«وهو محجوج»؛** این حرف مردود است. **«بالكتاب والسنة والإجماع».**

بنابراین این بیان به این صورت شد: از ناحیه کسی که خودش دید، اجماع هست. الآن روایت دوم در مانحن فیه؛ فعلاً می‌خواهیم از ناحیه ظاهر جلو برویم؛ فعلاً کاری با ادله بیرونی نداریم؛ اجماع و ... را فهمیدیم؛ از نظر ظاهر، این روایت چه می‌فرماید؟ «اذا رایتم الهلال فصوموا». بعد هم کامل توضیح می‌دهند که مقصود ما از رؤیت، رؤیت یک نفر، دو نفر نیست. حتی رؤیت پنجاه نفر هم نیست. بلکه باید «رآه الف»؛ همه باید ببینند.

---

[1] وسائل الشيعة - ط الإسلامية ج۷ ص۱۸۲

[2] جواهر الكلام ج۱۶ ص۳۵۲

[3] البقرة ۱۸۵

بازبینی #1
ایجاد شده 17 مه 2026 12:03:49 توسط ... .
به روزرسانی شده 17 مه 2026 12:06:56 توسط ... .